یک آه جگر سوز تر از سر درد — از مهر دو صد هزار عالم افزون گردد

بشناس خدای که جان می بخشد — انواع هنر باین و آن می بخشد

نومید مباش نا امیدی کفرست — صد ساله گنه بیک زمان می بخشد

خداوندا بحرمت محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم که هیچ دعای
بهتر ازین نمیدانم و بحرمت آن دوستان که دل ایشان بذکر گویا
گردانیدی و بآن سعادت عظمی مشرف گردانی و بطفیل آن سعادتمندان خود
این فقیر حقیر عمر ضایع کرده را باین سعادت مشرف گردانی بفضل کرم

نیستم نومید هستم بیقرار — بو که در گیرد یکی از صد هزار

دولتم ده زانکه بیگاه آمدم — رهبرم شو زانکه گمراه آمدم

هر که در کوی تو دولت یار شد — در تو گم گشت و ز خود بیزار شد

نیم جو می بی تو من و من نگر — کل شوم گر تو کنی در من نظر

ملتمس از مکارم اخلاق مطالعه کننده گان این نسخه معروض ضمیر
صاحب دولتان و دوستان خدای آنکه چون باین عبارت وا دا

قیام

قیام نماید جمع کننده این تألیف را و ترتیب دهنده تصنیف را بدعای
خیر یاد کنند الله الله چه طرز نامست این — رو دل اهل زجان تمامیت این

بس بود نزد صاحب معنی — حسبی الله گواه این دعوی

هم کسی از زبان بکام رسید — در رسد زین خجسته نام رسید

هر که زین اسم بهره مند بود — بهره او همین بسنده بود

شرح ... ز دیوم دم برس — از قل الله ثم ذرهم برس

شکر حق را که این خجسته کلام — شد بسال هزار و هشت تمام

تمت الرساله آداب السالکین علی ید ضعیف الفقیر الحقیر

قال النبی علیه السلام ... صدق رسول الله

قال النبی علیه السلام ... صدق رسول الله

قال النبی علیه السلام لا تنقطعوا ...

قال النبی علیه السلام من تکلم بکلام الدنیا
فی المسجد حبط الله تعا عبادة اربعین سنة